

Explain the Methods of Religious Education Based on the Demand Driven Principle of Gradual Education

Yasin Kamali Vahdat (Ph. D)¹

Seyed Mohammad Reza Rashidi Al Hashem (Ph. D)²

Mohammad GhasemiShoob (Ph. D)³

Safar Nasirian (Ph. D)⁴

Abstract

Research on the principles of education and its methods has long been considered by Islamic thinkers. This attention is due to the high importance of educational issues in religious education. Since the lack of practical, accurate and meticulous research on the "principle of education" and its "methods" is strongly felt, especially from the perspective of religious education, the present study intends to use qualitative and data-based research methods. Explain the methods of religious education based on one of the important and practical principles of religious education, namely the "principle of Gradual Education". Theoretical saturation is sufficient for the selection of concepts, and the discovery and inspection of the reliability and validity of the tool. The search for religious texts and the application of concepts and then categories continued until the necessary sense of theoretical saturation was obtained. In this regard, the necessary information has been collected from religious texts. In the present study, the principle of gradual education and its achievements in the field of educational methods, including what is needed to be realized by the educator himself, and what the educator should consider as a guide, are examined. According to the present study, the principle of graduation is one of the important principles of education along with other principles such as God-centeredness, responsibility, heresy, attention to social relations, ethics, supervision and respect for the personality of the educator. Methods of religious education based on the principle of Gradual Education are: moderation, prioritization and situationalism, repetition and practice, Charity and tolerance, leniency.

Keywords: *Religious Education, Principle, Method, Gradual*

-
1. Correspondent Author: Instructor of Imam Hussein University of Military Education and Training
kamalivahdat@yahoo.com
 2. Faculty member of the institute of Humanities, Imam Hussein University of Military Sciences and Training: dsr.rashidi@gmail.com
 3. PhD graduate in Quranic and Hadith Sciences, and researcher at Imam Hossein University:
mohammadkonkoor@gmail.com
 4. PhD graduate of Farabi compound, University of Tehran and lecturer of education courses:
s.nasirian@ut.ac.ir

تبیین روش‌های تربیت دینی بر پایه اصل نیازمحورِ تدریج

دکتر یاسین کمالی وحدت*، دکتر سیدمحمد رضا رشیدی آل هاشم**

دکتر محمد قاسمی شوب***، دکتر صفر نصیریان****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

چکیده

پژوهش در زمینه اصول تربیت و روش‌های آن، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. این توجه ناشی از اهمیت والای مسائل تربیتی در معارف دینی است. از آنجا که خلأ وجود پژوهش‌هایی کاربردی، دقیق و موثکافانه درباره «اصل تربیت» و «روش‌های آن»، به ویژه از منظر معارف دینی، به شدت احساس می‌شود، پژوهش حاضر بر آن است تا با روش تحقیق کیفی و داده‌بنیاد به تبیین روش‌های تربیت دینی، بر پایه یکی از اصول مهم و کاربردی تربیت دینی، یعنی «اصل تدریج» بپردازد. اشباع نظری بسندگی انتخاب مفاهیم، و کشف و بازرسی پایایی و اعتبار ابزار را برعهده دارد. جست‌وجوی متون دینی و به‌کارگیری مفاهیم و سپس مقوله‌ها تا جایی ادامه یافت که احساس اشباع نظری لازم به دست آمد. در این زمینه، اطلاعات لازم از متون دینی جمع‌آوری شده است. در پژوهش حاضر، اصل تربیتی تدریج و رهاوردهای آن در عرصه روش‌های تربیتی، اعم از آنچه که از سوی خود متربی لازم است تحقق یابد، و آنچه که مربی به عنوان یک راهنما باید مد نظر قرار دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس پژوهش حاضر، اصل تدریج یکی از اصول مهم تربیتی در کنار اصول دیگر مثل خدامحوری، مسئولیت‌پذیری، آخرت‌گرایی، توجه به مناسبات اجتماعی، اخلاق‌مداری، نظارت‌مداری و تکریم شخصیت متربی است. روش‌های تربیت دینی مبتنی بر اصل تدریج عبارت‌اند از: اعتدال و میانه‌روی، اولویت‌بندی و موقعیت‌شناسی، تکرار و تمرین، رفق و مدارا، آسان‌گیری.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، اصل، روش، تدریج.

*. نویسنده مسئول: استاد مربی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) kamalivahdat@yahoo.com

**. عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

dsr.rashidi@gmail.com

***. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)

mohammadkonkoor@gmail.com

****. دانش‌آموخته دکتری پردیس فارابی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف

s.nasirian@ut.ac.ir

مقدمه

پژوهش در زمینه اصول تربیت و روش‌های آن، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. این توجه ناشی از اهمیتی است که معارف دینی در این باره در نظر گرفته‌اند. در حالی که اصول و روش‌های تربیتی بر اساس انسان‌گرایی غرب بر پایه آزمون و خطا بنا شده است، معارف دینی به صورت کاربردی، این اصول و روش‌ها را به صورت یکجا و بر اساس نیازهای گوناگون انسان، در اختیار او قرار می‌دهد. بدین ترتیب، توجه به تربیت دینی برآمده از فطرت و ژرفای وجود انسان - که از همان نخست، به بعدهای گوناگون نیازهای انسان توجه کرده است - می‌تواند در معرفی اصول و روش‌های تربیتی و در رفع مشکلات تربیتی و چالش‌های آن نقش مهمی داشته باشد.

اصول و روش‌های تربیت، در مقایسه با عناصر تربیتی دیگر مانند هدف و مبنا عملیاتی‌تر هستند؛ به گونه‌ای که بدون به‌کارگیری این دو عنصر توفیق چندانی در پیشبرد مسائل تربیتی حاصل نمی‌شود. اما مسئله دقیق‌تر و حیاتی‌تر در این باره، توجه به تطبیق «اصول تربیتی» با «روش‌های آن» است؛ زیرا غفلت از این مسئله می‌تواند پیشبرد مسائل تربیتی را با ایستایی مواجه کند.

گفتنی است با آنکه در زمینه تبیین اصول و روش‌های دینی - تربیتی تلاش‌هایی انجام شده، در راستای کشف رابطه بین این دو عنصر، پژوهش در خوری صورت نگرفته است که بتواند ارتباطی دقیق و موشکافانه بین این دو عنصر تربیتی، به ویژه از جنبه معارف دینی ایجاد کند. لذا خلأ وجود این نوع پژوهش‌ها به شدت احساس می‌شود. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش تحلیلی و توصیفی، به تبیین آن دسته از روش‌های تربیت دینی بپردازد که برپایه یکی از اصول مهم و کاربردی تربیت دینی، یعنی اصل «نیازمحور تدریج» است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر، اصل تربیتی تدریج و رهاوردهای آن در عرصه روش‌های تربیتی؛ اعم از آنچه که از سوی خود متربی لازم است تبلور یابد و آنچه که مربی به عنوان یک راهنما باید مد نظر قرار دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این زمینه، پژوهشگران با مرور مفاهیم و مبانی نظری، به تحلیل و بررسی منابع دینی درباره موضوع مورد بحث پرداختند.

سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: روش‌های تربیت دینی بر پایه اصل نیازمحور تدریج چگونه‌اند و چه کیفیتی دارند (چگونگی مسیر تربیت و تدریج آن)؟

ادبیات تحقیق

تعریف مفاهیم

در این بخش از پژوهش، در مطلع نخست، مهم‌ترین مفاهیم پژوهشی را که به فهم هرچه بهتر مباحث مطرح شده کمک می‌کند، توضیح می‌دهیم.

تربیت دینی

انسان موجودی چند بعدی است و تربیت درست منجر به رشد هماهنگ تمام جنبه‌های ابعاد وجودی انسان می‌شود. وظیفه تربیت دینی آشنا ساختن افراد به وظایف دینی‌شان در همه ابعاد آن است. از همین‌رو، دایره گسترده‌ای از انواع تربیت‌ها را دربر می‌گیرد. می‌توان تربیت دینی را این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای ایجاد و اکمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا می‌شوند» (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

۱. اصول تربیت

«اصل» ماهیتی هنجاری و ناظر به بایدها دارد؛ از این جهت که خود منشأ اصل بوده و ناظر به هست‌هاست، متفاوت است (هوشیار، ۱۳۲۷: ۱۶؛ باقری، ۱۳۶۸: ۶۸؛ شریعت‌مداری، ۱۳۶۷: ۱۱). اصل با هدف نیز نمی‌تواند یکی باشد، زیرا ابزاری برای نیل به هدف قلمداد می‌شود (هوشیار، ۱۳۲۷: ۱۲). همچنین «اصل تربیتی» متفاوت از «روش‌های تربیتی» است. از این‌رو، «اصل» یک ملاک کلی برای گزینش روش‌های گوناگون به شمار می‌رود (هوشیار، ۱۳۲۷: ۱۷؛ باقری، ۱۳۶۸: ۶۹؛ شریعت‌مداری، ۱۳۶۷: ۱۱).

برخلاف تفاوت‌های موجود میان عناصر مختلف، نظام تربیتی ارتباط تنگاتنگی میان این عناصر با یکدیگر است. از این‌رو، هرگاه در فرایند تربیت بخواهیم به هدف برسیم باید پیوسته ارتباط مبنای هدف، اصل و روش را مورد لحاظ قرار دهیم. بدین ترتیب، «اصل» حاصل مشارکت

سه عامل دیگر در نظام تربیتی است. بنابراین، ارائه هرگونه تعریفی از اصل، بدون توجه به مشارکت عوامل سه گانه مذکور، نمی تواند یک تعریف کامل و جامع باشد (شاتو، ۱۳۶۹: ۲۵۸؛ هوشیار، ۱۳۲۷: ۴۹).

بر این اساس، اصل را باید این گونه تعریف کنیم: سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) که متناسب با مبانی خاص مثل توجه به ظرفیت های انسان، انتخاب و به منظور تعیین روش های تربیتی و برای دستیابی به اهداف تربیتی، مورد توجه قرار می گیرند.

۲. روش های تربیت

بر اساس مطالب پیش گفته در تعریف اصل، روش تربیتی عبارت است از: اقدامی که در فرایند تعلیم و تربیت از سوی مربی یا مربی، بر پایه مبانی خاص، منطبق بر اصول و شرایطی معین و در جهت نیل به اهدافی مشخص صورت می پذیرد. بدین ترتیب، ارتباط تنگاتنگی بین اصل و روش تربیتی وجود دارد؛ به گونه ای که روش به طور مستقیم از اصل گرفته می شود و از این منظر، اصول یک سری روش های کلی تربیت اند که بر سایر روش ها سیطره و احاطه دارند.

پیشینه تحقیق

۱. سجادی تحقیقی با عنوان «رویکردها و روش های تربیت اخلاقی و ارزشی» انجام داده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که طرح، تبیین و توصیف روش ها و رویکردهای تربیتی در رفع ابهامات و مشکلات مؤثر است (سجادی، ۱۳۷۹).

۲. رضانی و مسعود حیدری تحقیقی با عنوان «روش های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه» انجام داده اند. طبق نتایج، شش روش برای تربیت اجتماعی کودک مورد بررسی و تبیین قرار گرفته که عبارت اند از: الگویی، پیشگیری، عبرت آموزی، تشویق، تنبیه و تعلیم (رضانی و حیدری، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

۳. اعرافی و جواد ابراهیمی در تحقیقی با نام «روش های زمینه ساز تربیت اجتماعی فرزندان؛ حکم فقهی» نتیجه گرفته اند که در این باره، با مراجعه به ادله فقهی از جمله قرآن و روایات، استنباط حکم مسئله به شیوه متعارف فقها مد نظر است. به طور کلی، به کار گرفتن

روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی در ابعاد مختلف شناختی، احساسی و رفتاری حداقل مستحب است (اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۵-۱۴۰).

۴. رشیدی آل‌هاشم در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و خشونت خانگی» نتیجه گرفته است که روش‌های تربیت سخت‌گیرانه و استبدادی ضریب همبستگی بالایی با خشونت والدین دارد و کمترین میزان همبستگی درباره تربیت منطقی و گفت‌وگو محور است. روش‌های سهل‌گیرانه یا سخت‌گیرانه همبستگی بالایی با خشونت فرزندان دارند (رشیدی آل‌هاشم، ۱۳۹۶).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع روش‌های کیفی و داده‌بنیاد است. به این ترتیب که ابتدا ادبیات بحث، شامل تعریف مفاهیم تربیت دینی، اصول تربیت دینی و روش‌های آن - که مفاهیمی ضروری در این زمینه هستند - مورد بحث قرار می‌گیرند و سپس با مراجعه به منابع قرآنی و روایی و اندیشمندان اسلامی ابتدا هشت مورد از مهم‌ترین اصول تربیت دینی، احصا شده و آن‌گاه روش‌های تربیت دینی بر پایه اصل هشتم (اصل نیازمحور تدریج) به عنوان هسته مرکزی پژوهش تدوین شده است. اشباع نظری کفایت نمونه به کاررفته از مفاهیم را نشان می‌دهد و کشف و بازرسی اعتبار و روایی تحقیق را به عهده دارد. مفاهیم کدگذاری آزاد شده است و به مقوله‌هایی با کدگذاری انتخابی رسیده، سپس مقوله‌های انتخابی به مدل و نظریه مبنایی تحقیق می‌رسند. یافته‌های تحقیق در هر یک از دو بخش یادشده، ابتدا به صورت اجمالی در قالب جداول ارائه شده و آن‌گاه محتوای آنها در متن تحقیق، به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مقوله‌های بحث احصا شده است. در راستای این پژوهش، محققان با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزاری و الکترونیکی، مانند کتب و مقالات، در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی و دینی به تبیین یافته‌های مدنظر پرداخته‌اند.

یافته‌های پژوهش و تحلیل آنها

مطالب این بخش، در دو قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد. ابتدا مروری بر مهم‌ترین اصول

تربیت دینی می‌شود و سپس روش‌های تربیت دینی برپایه اصل تدریج مورد بررسی قرار می‌گیرند. برابر بررسی انجام‌شده، هشت اصل از اصول تربیت دینی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول، در منابع دینی مورد توجه واقع شده‌اند. از همین منظر، هشتمین اصل از این اصول که اصل «نیاز محور تدریج» است، مقتضی روش‌های تربیتی متناسبی است که در این پژوهش، پنج مورد از این روش‌ها مطالعه شده‌اند.

مهم‌ترین اصول تربیت دینی

تربیت دینی، مشتمل بر اصول مختلفی است که به اجمال به مهم‌ترین آنها اشاره‌ای می‌کنیم:

۱. خدامحوری و تعبد: این اصل، مهم‌ترین اصل ایجاد تمایز بین رویکرد تربیت دینی و سایر رویکردهای تربیتی نیز به شمار می‌آید. در حالی که برخی از مکاتب تربیتی با ارائه تفسیری متفاوت از انسان و جهان، تربیت را بر محوری غیر از خدا، از قبیل پرورش عقل و خرد، نیل به رفاه و آسایش، دستیابی به فضیلت و غیره قرار داده، انسان را در سطحی کاملاً متفاوت از خدامحوری قرار می‌دهند (مدلین، ۱۳۵۳: ۴۵)؛ در تربیت اسلامی مهم‌ترین اصل که منشأ همه اصول و روش‌های تربیتی است، اصل «خدامحوری» است.

منظور از این اصل تربیتی، ایجاد و پرورش روحیه تعبد در مرتبی است؛ به نحوی که در او حالتی حاکی از اطاعت متواضعانه در برابر اوامر خداوند ایجاد شود. از نظر قرآن، فرد مؤمن بایستی تنها دلیل انجام عمل را اطمینان به سرچشمه گرفتن آن از جانب خداوند بداند و با آگاهی از این نکته که عمل مذکور از دید الهی مطلوب یا غیرمطلوب است، اقدام به انجام آن یا اجتناب از آن کند. خداوند می‌فرماید: «وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ» (محمد/۳): کسانی که ایمان آوردند، از همان حق که از جانب پروردگارشان است، پیروی کردند.

از دیدگاه شهید مطهری، از آنجا که خداوند متعال کمال مطلق است، گزینش برنامه‌های تربیتی باید به نحوی صورت پذیرد که انگیزه رضایت خداوند در مرتبی، روزه‌روز فرونی یابد؛ تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند (مطهری، ۱۳۷۱: ۸۳).

تبیین روش‌های تربیت دینی بر پایه اصل نیازمحور تدریج

جدول ۱. مهم‌ترین اصول تربیت دینی

ردیف	مستند آیات و روایات	تعریف مفهوم	مقوله خوشه‌ای	مقوله هسته
۱	«وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ» (محمد / ۳)	منظور از این اصل، پرورش روحیه تعبد در مربی است، به نحوی که در او اطاعت متواضعانه در برابر اوامر خداوند ایجاد شود.	خدامحوری و تعبد	مهم‌ترین اصول تربیت دینی
۲	«وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره / ۴۸)	منظور از این اصل تأکید بر فناپذیری دنیا و لزوم زهد در آن است.	آخرت‌گرایی و زهد	
۳	«إِنِّي بَعَثْتُ لَأَتِمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۱۰).	مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعایر و عمل به احکام دینی، ایجاد تحول اخلاقی در انسان است.	اخلاق‌مداری	
۴	«فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بَعِثْتُمْ بِنُفْسِكُمْ نَوَاصِيَكُمْ بَيْنَهُ وَ تَقْلُبُكُمْ فِي قُبُضَتِهِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳)	مربی می‌داند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد.	نظارت‌مداری	
۵	«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰)	انسان موجودی شریف است که در بین موجودات از موقعیت ویژه و شأن و قدر برخوردار است و ارزش و مقام او از همه موجودات عالم بالاتر است.	تکریم شخصیت مربی	
۶	«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ» (مدثر / ۳۸)	در اندیشه اسلامی همواره انسان به عنوان فرد، در مدار تربیت و اصلاح قرار می‌گیرد.	مسئولیت‌پذیری فردی	
۷	«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره / ۳)	درخواست‌های انسان در روند زندگی و متن آن تحقق می‌یابد. تربیت بر محور چنین نگرشی، مستلزم عدم انفکاک از بعد اجتماعی است.	زندگی‌محوری و توجه به مناسبات اجتماعی	
۸	«إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنْ مَوْضِعِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۵۸)	تربیت دینی تأمین‌کننده نیازهای انسان است و در رفع این نیازها، تدریج لازم است.	نیازمحوری و تدریج	

۲. آخرت گروی و زهد: هشدارها و تأکیدات فراوان اسلام بر فناپذیری دنیا و لزوم زهد در دنیا، جزء مهمی از مجموعه پند و اندرزهای دینی است. این امر، در تربیت اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است؛ به نحوی که بر تعیین نوع حرکت تربیتی و جهت دهی به آن تأثیری انکارناپذیر دارد؛ زیرا جهت گیری زندگی بر مبنای آخرت گرایی تحولی اساسی در رفتار و سلوک انسان ایجاد می کند. خداوند می فرماید: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره / ۴۸): و بترسید از روزی که هیچ کس عذاب خدا را از کسی دفع نمی کند، و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می شود، و نه یاری خواهد شد.

۳. اخلاق مداری: اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتواند در حوزه اخلاقی تأثیر بگذارد، در این صورت، انسان به کمال خود دست نیافته است. از این رو، مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعائر و عمل به احکام دینی، «ایجاد تحول اخلاقی در انسان» است. برای نمونه، خداوند می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت / ۴۵): نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد. بر همین اساس، پیامبر (ص) فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»: همانا من برای کامل کردن کرامت های اخلاقی مبعوث شده ام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۱۰).

۴. نظارت مداری: یکی از اصول کارآمد در امر تربیت، نظارت بر امور مرتبی است. مرتبی می داند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد. اصل نظارت مداری در تربیت اسلامی به ما می گوید که همه عالم در منظر و مرآی خداوند است و او بر همه امور آگاه است. چنین نظارتی می تواند تأثیری ویژه در شخصیت و رفتار مرتبی داشته باشد. امام علی (ع) در این باره می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بَعِيْنُهُ وَ تَوَاصِيَكُمْ بِيَدِهِ وَ تَقْلُبُكُمْ فِي قَبْضَتِهِ. إِنَّ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ وَ إِنْ أَعْلَنْتُمْ كَتَبَهُ؛ قَدْ وَكَّلَ بِذَلِكَ حَفْظَهُ كِرَامًا لَا يُسْقِطُونَ حَقًّا وَ لَا يُثْبِتُونَ بَاطِلًا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، خطبه ۱۸۳): پس، از مخالفت با فرمان های خدایی که در پیشگاه او حاضرید و زمام امور شما به دست اوست و حرکات و سکنات شما در دست قدرت اوست، بترسید. اگر شما اعمالی را پنهانی انجام دهید، او می داند و اگر آشکارا به جا آورید، نگهبانان بزرگواری را گماشته که هیچ حقی ضایع نکنند و هیچ چیزی را بیهوده ثبت نکنند.

۵. تکریم شخصیت متربی: در هیچ مکتبی، منزلت و کرامت انسانی همانند مکتب اسلام تأیید نشده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰): «تحقیقاً ما فرزندان آدم را تکریم کردیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را به بسیاری از آفریده‌های خود برتری دادیم.» بر این اساس، انسان موجودی شریف است که در مقایسه با موجودات دیگر، از موقعیت و شأن و قدر ویژه‌ای برخوردار است و ارزش و مقام او از همه موجودات عالم بالاتر است. از این رو، کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت انسان دیگری را به مخاطره اندازد و آن را لگدمال کند (فرمehنی فراهانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۲). در نظام اخلاقی اسلام، هر یک از افراد باید حافظ حرمت و شخصیت افراد دیگر باشند؛ زیرا اگر این اصل در جامعه تضعیف شود، هیچ جایگزینی برای آن در جلب توجه افراد به سمت ارزش‌های اخلاقی و تربیتی پیدا نخواهد شد.

۶. مسئولیت‌پذیری فردی: در اندیشه اسلامی همواره انسان به عنوان فرد، در مدار تربیت و اصلاح قرار می‌گیرد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً (مدثر / ۳۸): «هر کسی در گرو دستاورد خویش است.» بر همین اساس، در فرهنگ اسلامی، مفاهیمی از قبیل تهذیب، تزکیه و لزوم تهذیب و کنترل نفس مطرح هستند.

از دستاوردهای مهم کنترل نفس آن است که انسان عمل‌گرا بار می‌آید. بنابراین، یک مربی موفق کسی است که همواره با توجه به ظرفیت و استعداد متربی، او را تشویق به عمل کند و از ذهن‌گرایی صرف بپرهاند. وقتی اهمیت این مسئله مضاعف می‌شود که بدانیم از منظر دینی، عدم عمل‌گرایی گاه موجب کاستی در جانب فهم حقیقت، باور به آن و نیز تعهد برای عمل به آن می‌شود: ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوْاى اَنَّ كَذَّبُوْا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ كَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ (روم / ۱۰): سپس عاقبت کسانی که کارهای ناشایست انجام می‌دادند، آن شد که آیات خدا را تکذیب کردند و به تمسخر گرفتند. حضرت علی(ع) نیز در این باره می‌فرماید: أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُوْلِ تَحْتَ بُرُوْقِ الْمَطَامِعِ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۲۱۹): بیشترین جایگاهی که خرد و عقل انسان در آن قربانی می‌شود، هنگامی است که برق طمع می‌درخشد.

۷. زندگی محوری و توجه به مناسبات اجتماعی: از آنجایی که بسیاری از خواست‌های انسان در روند زندگی و متن آن تحقق می‌یابد، تربیت بر محور چنین نگرشی مستلزم عدم انفکاک از بعد اجتماعی است و ارزش‌های تربیتی، از مواردی انتخاب می‌شود که در مناسبات عادی زندگی جمعی مطرح و مورد توجه است. بدین ترتیب، دین از رهگذر نیازهای غریزی، مناسبات اجتماعی، تمایلات و گرایش‌های طبیعی، اقدام به تربیت انسان‌ها می‌کند. از این رو، بر اساس دیدگاه شهید مطهری، در چارچوب تربیت دینی، ترغیب به کناره‌گیری از اجتماع و تقویت روحیهٔ مرتاضانه در فرد، امری کاملاً اشتباه است (مطهری، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۴۱). بدین لحاظ، قالب‌های تربیتی در بعد اجتماعی، مانند: صداقت، امانت‌داری، عدالت‌ورزی، قناعت، مساوات و ایثار اهمیت پیدا می‌کنند. برای مثال، خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره/۳): (متقین) کسانی هستند که به جهان غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزی‌شان دادیم، انفاق می‌کنند.

۸. نیازمحوری و تدریج: آخرین اصل اساسی در تربیت دینی که محور نوشتار حاضر بر مدار آن می‌چرخد، اصل نیازمحوری و تدریج است. از این رو، تربیت دینی در عین حال که مشتمل بر اصول اساسی پیشین است، با تأمین نیازهای تدریجی انسان هماهنگ است. این تربیت از او آغاز می‌شود و در او سیر می‌کند و به او ختم می‌شود. بر این اساس، تربیت دینی مستلزم هیچ‌گونه فشار بر مربی نیست و هماهنگ با مسائل فطری تعیین می‌شود.

اصل تدریج، اصلی است که به طور تکوینی نهاد انسان بر مدار آن تکون یافته است و تشریفاً حیات تربیتی انسان از آن تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، اصل تدریج در نظام تکوین و تشریع، اصلی پذیرفته شده است؛ زیرا تربیت آدمی، بخشی از نظام تکوین است که برای تحوّل و تغییر، نیازمند زمان و متغیرهای دیگر است. توجه به اصل تدریج در تربیت، زمانی اهمیت خود را باز می‌یابد که توجه داشته باشیم تحوّل اخلاقی، دشوار و بس پیچیده است. چنان که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنْ مَوْضِعِهِ» (ابن شعبه حرانی: ۳۵۸؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۵۴): از جا کردن کوه‌ها آسان‌تر از آن است که قلبی را از جای آن (اخلاقی که به آن خو گرفته است) جابه‌جا کنند.

روش‌های تربیت دینی مبتنی بر اصل نیازمحور تدریج

جدول ۲. روش‌های تربیت دینی مبتنی بر تدریج

ردیف	مستند آیات و روایات	تعریف مفهوم	مقوله خوشه	مقوله هسته
۱	«كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (رعد / ۸) أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۲)	اعتدال و میانه‌روی در تربیت، به معنای پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در امور تربیتی و انجام آنها به صورت متعادل است.	اعتدال و میانه‌روی	
۲	«وَقُلْنَا إِنَّا فُتِنَاهُ لِنَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزِّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء / ۱۰۶) فَضَّعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَأَوْقَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳: ۶۱۱)	انجام همه کارها در یک بازه زمانی و مکانی امکان‌پذیر نیست؛ از این رو، باید بر اساس اصل تدریج، کارهای تربیتی اولویت‌بندی شود.	اولویت‌بندی و موقعیت‌شناسی	
۳	بر اساس روایتی، در نه سالگی وضو و نماز کامل به کودک آموخته و به او تمرین داده می‌شود تا اینکه آن دو را به شکل درست انجام دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۹۵-۹۴)	از آنجا که انجام صحیح برخی تکالیف، مستلزم آشنایی نظری و عملی قبلی از سوی مکلف به آنهاست، تمرین و تکرار به عنوان یک روش تربیتی به کمک مربی می‌آید.	تمرین و تکرار	
۴	«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشراح / ۱) «مُدَارَاهُ الرِّجَالِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۰۶)	رفق و مدارا به این است که وقتی مربی می‌داند اگر بخواهد در زمانی محدود، مطلبی را به مربی عرضه کند، اثری ندارد؛ آن مطلب را در طولانی مدت و تدریجی عرضه کند.	رفق و مدارا	
۵	«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره / ۱۸۵) ثَلَاثَةٌ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ زَوْجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ أَوْ أَعْدَمَهُ أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا	مربیان می‌توانند با کاربرست روش تسهیل در امور تربیتی، به صورت تدریجی و گام به گام به رشد شخصیت مربیان کمک کنند.	تسهیل‌گری	

روش‌های تربیت دینی مبتنی بر اصل نیازمحور تدریج

۱. اعتدال و میانه‌روی

اعتدال و میانه‌روی به معنای پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در امور و انجام آنها به صورت متعادل، یکی از روش‌های تربیت دینی است که مبتنی بر اصل نیازمحور تدریج است؛ چنان که در برخی از روایات ارتباط مفهومی بین اعتدال و تدریج به خوبی بیان شده است. امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۲): بهترین و محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند عزوجل عملی است که از سوی بنده تداوم یابد؛ هرچند قلیل و اندک باشد. در این روایت، رابطه بین کم بودن عمل که حاکی از اعتدال در امور است و مداومت بر آن، که اشاره به اصل تدریج دارد، به روشنی دیده می‌شود.

اعتدال و میانه‌روی به عنوان یکی از روش‌های تربیت دینی، متضمن مفاهیمی اساسی همچون مفهوم جامعیت است؛ به این معنا که آنچه در تربیت اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد، شامل تمام نیازها و خواسته‌های وجودی انسان و پرهیز از تفریط و فروگذاری برخی از این نیازهاست. از این‌رو، مستلزم صرف انرژی متناسب برای پاسخ‌گویی به هر یک از نیازها، به صورت تدریجی است؛ به طوری که ما را از افراط و زیاده‌روی در پرداختن بیش از حد به برخی از نیازها باز می‌دارد؛ چنان که خداوند متعال برای هر چیزی مقداری قرار داده و فرموده است: «كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (رعد/ ۸): هر چیزی نزد او به مقدار مشخصی است.

همچنین ارتباطی تنگاتنگ میان مفهوم «عدالت» و «تقوا» به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی تربیت وجود دارد؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/ ۸): ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خداوند برپا دارندگان باشید و به عدالت و داد گواهی دهید و مبادا دشمنی شما با گروهی و ادارتان کند که به عدالت رفتار نکنید. به عدالت رفتار کنید که عدالت به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا داشته و تقوا پیشه کنید. بر اساس مفهوم اخیر، خداوند عدالت را زمینه و بستری برای تقوا بیان و می‌فرماید این تقوا پیشه کردن شما، با قیام به عدالت پدید می‌آید و کسی که خود اهل قسط و عدالت نیست، نمی‌تواند مدعی عدالت باشد. بدین ترتیب، تنها راه تداوم تقوا در وجود انسان، عدالت‌ورزی در درون و برون انسان است.

عباراتی در نهج البلاغه نیز حاکی از ارتباط تنگاتنگ بین تدریج و اعتدال است. حضرت امیر

(علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر، چنین آموزش می‌دهند: «أَحَبُّ الْأُمُور إِلَيْكَ، أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَا الرِّعْيَةِ ... وَإِنَّمَا عَمُودُ الدِّينِ، وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَالْعَدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ، الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ، فَلْيَكُنْ صَغُوكَ لَهُمْ، وَمِيلُكَ إِلَيْهِمْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۵۳): کارها و اقدام‌های تو باید چنان باشد که بیشتر، آن کاری را دوست بداری که در حدّ میانه باشد (نه حدّ افراط و نه تفریط)، و عدل را بیشتر فراگیر سازد، و رضایت مردم را بهتر تأمین کند ... و به یقین عمود دین، و انبوه مسلمین و پشتوانه در برابر دشمن آیین، همین مردم (بی‌ادعای) کوچه و خیابان‌اند، پس باید به سخن آنان خوب گوش دهی و دل در غیر آنان نبندی.

بدین ترتیب، با توجه به اختلاف استعدادها، ظرفیت‌ها، روحیه‌ها، خواست‌ها و سلیقه‌ها که معلول اختلاف طبایع و تأثیرات گوناگون محیطی، جغرافیایی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی است، هر حرکت تربیتی باید با توجه به این اختلافات و به صورت مرحله به مرحله و بدون هر نوع افراط و تفریط صورت پذیرد؛ زیرا از منظر امام علی(ع)، اگر در تربیت، نیازها، خواست‌ها و ظرفیت‌های افراد در نظر گرفته نشود، برنامه‌ها و اقدامات سیاسی زمامداران، نتیجه‌ای جز تباهی نظام امت در پی نخواهد داشت.

اما اعتدال در امور با اصول دیگر تربیتی نیز مرتبط است. امام حسن مجتبی(ع) در وصیتی به جناده بن ابی امیه برای سوق دادن همگان به سمت اعتدال و دوری از افراط و تفریط در امور دنیوی و اخروی در کلامی کوتاه و بسیار راهگشا می‌فرماید: «وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»: آنچه‌ای برای دنیایت عمل کن که گویا همیشه در آنی و برای آخرت نیز چنان عمل کن که گویی فردا می‌میری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۱۳۹). در این روایت، اعتدال با اصل آخرت‌محوری پیوند خورده است. بر اساس این روایت، انسان تربیت‌یافته باید هدف‌گذاری معنوی خود را بر پایه توجه به اصل اساسی دیگری، یعنی توجه به آخرت ترتیب دهد و در مسائل دنیوی به امور مهم و ضروری پردازد، نه بیش از آن.

بر اساس مطالب پیشین، باید به مربیان و متربیان به منظور فراگیر کردن روش

تربیتی اعتدال، توصیه‌هایی را کرد:

هشدار به متربیان نسبت به اصلاح رفتارها و عادات‌های رهن، مانند: پرخواهی، پرخوری و پرگویی؛ عدم افراط در امور معنوی مثل عبادت‌هایی که موجب کسالت، دل‌زدگی و

سرخوردگی می‌شود؛ رعایت اقبال قلبی در امور مستحبی و اخلاقی سطح بالاتر؛ یادآوری پیامدهای عمل و سواستی و توجه به اینکه عبادت بایستی بر اساس معرفت کافی انجام شود و پرهیز مریبان از افراط در تذکر، موعظه و نصیحت بیش از حد به متریان.

۲. اولویت‌بندی و موقعیت‌شناسی

به طور مسلم، انجام همه کارها در یک بازه زمانی و مکانی امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، باید بر اساس اصل تدریج، کارهای متربی اولویت‌بندی، و کارهای ضروری‌تر زودتر از کارهای غیرضروری انجام شود؛ زیرا انجام به‌هنگام کارها، بستری برای تداوم کارهای دیگر است. امام علی(ع) این‌گونه بر ضرورت اولویت‌بندی امور در عهدنامه مالک اشتر اشاره می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسْقُطَ فِيهَا عِنْدَ امْكِانِهَا أَوْ اللِّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ فَضَعَّ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳: ۶۱۱). پرهیز از شتاب‌زدگی در کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده و از اهمال‌گری در کارهایی که وقت انجام دادنشان فرارسیده است و از لجاجت کردن در امور که مبهم است و از سستی کردن در کارها، آن‌هنگام که راه عمل روشن شده است، پس هر دو چیز را در جای آن بدار و هر کاری را به‌هنگام آن بگذار.

بر اساس این کلام امام علی(ع)، به‌هنگام بودن طرح و پیگیری مسائل تربیتی از سوی مربی و به تبع آن متربی، از نظر زمان و مکان مناسب اهمیتی وافر دارد. این مسئله از جهات سه‌گانه ذیل قابل تبیین است:

۱. توجه به نیازهای معنوی انسان، به «ظرفیت/فرد» وابسته است. قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر نازل شد. خداوند می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنُزْلَانًا» (اسراء/ ۱۰۶): قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.

مفسران در بیان علل نزول تدریجی آیات قرآن، مطالب فراوانی نوشته‌اند که در این‌باره به دیدگاه علامه طباطبایی(ره) اشاره می‌کنیم. به عقیده وی، نزول تدریجی آیات قرآن به دلیل بلوغ و رشد استعداد مردم در تلقی معارف اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۲۱۳).

بدین ترتیب، عدم توجه به ظرفیت افراد در ترتیب‌بندی مسائل تربیتی، به نوعی اکراه و اجبار است و ثمره آن، بر اساس کلام دیگری از امام علی(ع) کور شدن باطن و قلب انسان است؛ چنان که حضرت می‌فرماید: اگر قلب مورد اکراه و اجبار قرار گیرد، کور می‌شود (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۱۹۳).

شهید مرتضی مطهری در توضیح این فرمایش امام علی(ع) می‌گوید: روح و دل انسان همانند تن و جسم او خسته و ملول می‌شود؛ در این صورت، نباید افکار سنگین را بر قلب و روح تحمیل کرد، بلکه در این حالت، باید با عرضه مسائل نشاط‌برانگیز و خوشحال‌کننده، دل را از کسالت خارج کرد (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۸).

۲. تحقق نیازهای معنوی انسان، وابسته به «سن/فرد» است. از این منظر، فرایند دین‌پذیری و ایمان به ارزش‌های دینی، متناسب با سن فرد و تحولات روحی او پدیدار می‌شود. بدیهی است شناخت ویژگی‌های سنی و نیازهای عاطفی کودکان و نوجوانان می‌تواند والدین را در شکل‌دهی به هویت دینی فرزندان یاری کند. باورهای مذهبی و گرایش عمیق‌تر به آموزه‌های دینی، زمانی برای کودک معنا می‌یابد که با نیازهای درونی او ارتباط داشته باشد. بدین ترتیب، این وظیفه والدین و مربیان است که متناسب با نیازها و استعدادها، کودک و به دور از اجبار، ارباب و تهدید، به معرفی آموزه‌های دینی بپردازند. رعایت توان و استعداد کودک بر اساس اولویت‌بندی زمانی انسان از زمان تولد تا سنین بزرگسالی و توجه به توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی از نظر تربیتی، خیلی مهم است.

۳. «تقدم واجبات بر مستحبات»: انسان همواره در تزاخم بین بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها قرار دارد؛ به ناچار از میان انواعی از دانش‌ها، مهارت‌ها، استعدادها، عوامل، موانع و روش‌ها، دست به گزینش می‌زند. آنچه که در اولویت‌بندی مسائل تربیتی در زمان تزاخم بین آنها، لازم است مد نظر قرار گیرد، آن است که از واجب به واجب و از مهم به مهم گام برداریم. بر همین اساس، امام علی(ع) در «تقدم واجبات بر مستحبات» در صورتی که میل به عبادت در انسان کم باشد، می‌فرماید: «لَا قُرْبَةَ لِلتَّوَّافِلِ إِذَا أَصْرَتْ بِالْفَرَائِضِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۹): اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، قربتی از آنها حاصل نمی‌شود. همچنین در این زمینه به مهربان توصیه می‌فرماید: «إِذَا أَصْرَتْ التَّوَّافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَأَرْفُضُوهَا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۲۷۹): هنگامی

که کارهای غیرضروری و مستحب به واجبات ضرر رساندند و مانع پرداختن به ضروریات و واجبات شدند، دست از نوافل و غیرضروریات بکشید.

بدین ترتیب، یکی از مصادیق روشن اولویت‌بندی در مسائل تربیتی، تقدم واجبات بر مستحبات، در صورت تراحم بین آنهاست. در این زمینه، امام صادق (ع) نیز به ابان بن تغلب می‌فرماید: لَقَضَاءُ حَاجَةِ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ خَيْرٌ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّىٰ عَدَّ عَشْرَةَ أَسَابِيعَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَفَرِيضَةٌ أَوْ نَافِلَةٌ فَقَالَ يَا أَبَانُ إِنَّمَا يَسْأَلُ اللَّهُ الْعِبَادَ عَنِ الْفَرَائِضِ لَا عَنِ النَّوَافِلِ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲۰): برآورده کردن یک حاجت از مؤمن بهتر است از اینکه ۱۰ مرتبه و هر بار ۷ بار خانه خدا را طواف کنی. پرسیدند: مقصود از این ۱۰ مرتبه طواف، واجب آن است یا مستحبش؟ امام (ع) فرمود: ای ابان، خداوند از بندگانش درباره واجبات سؤال می‌کند، نه مستحبات.

باید توجه داشت اولویت‌بندی در مقام رفع تراحم، منحصر در مصادیق فوق نیست. در این زمینه، برخی از ملاک‌های مؤثر در تعیین اولویت‌ها عبارت‌اند از: تقدم نیازهای متعالی و اخروی انسان؛ برتری نیازهای عمومی و مشترک نسبت به نیازهای شخصی و خاص؛ دانش‌ها و مهارت‌های نافع‌تر برای حال و آینده فرد و جامعه؛ تعمیق و گسترش علوم دینی و دانش‌های بنیادی و کاربردی و تقدم تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به بزرگسالان.

۳. تمرین و تکرار

تمرین و تکرار یکی از روش‌های تربیت دینی مبتنی بر اصل تدریج بر اساس آموزه‌های اسلامی است. از آنجا که بر اساس معارف اسلامی، معیار اصلی تکلیف شرعی، بلوغ عقلی است، به محض اینکه مکلف بالغ می‌شود، تکلیف در حق او فعلیت پیدا می‌کند. ولی به دلیل اینکه انجام صحیح برخی تکالیف مستلزم آشنایی نظری و عملی قبلی مکلف از موارد تکلیف است، تکرار و تمرین به عنوان یک روش تربیتی به کمک متری می‌آید. بدین ترتیب، گاهی اصل تدریج اقتضا دارد که عملی زودتر از موعد حقیقی آن مورد توجه مربیان قرار گیرد. از این‌رو، امام علی (ع) با تأکید بر شروع زود هنگام تربیت در دوره نوجوانی می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَحْدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ»: قطعاً دل نوجوان همانند زمین خالی است؛ هر بذری در آن ریخته شود می‌پذیرد؛ بنابراین، پیش از آنکه دلت سخت و مغز گرفتار شود، اقدام به ادب‌آموزی تو کردم (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۳۱).

بر اساس برخی دیگر از معارف دینی، تربیت را بایستی زودتر از نوجوانی، یعنی از دوره کودکی آغاز کرد. می‌توان به برخی از مستندات روایی هم در این زمینه اشاره کرد. برای نمونه، امام باقر (یا امام صادق (ع))^۱ در روایتی نسبتاً جامع، درباره تعیین تکالیف دینی بر اساس سنین رشد کودک و تمرین هر تکلیف در سن مخصوص آن، مراحل را برای تربیت فرزند در نظر گرفته‌اند. بر اساس این روایت، در سه سالگی، کلمه توحید (لا اله الا الله) و در سن سه سال و هفت ماه و بیست روز «محمد رسول الله (ص)» به فرزند آموخته می‌شود. همچنین در چهار سالگی صلوات بر محمد (ص) و در هفت سالگی صورت نماز را به او یاد می‌دهند. در نه سالگی وضو و نماز کامل به او آموزش داده می‌شود و تا زمانی که کودک وضو و نماز را به شکل درست انجام دهد، تمرین داده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۹۴-۹۵).

بدین ترتیب اگر در مواقعی، انجام تکلیفی قبل از فرارسیدن زمان آن، مستلزم انجام مقدماتی است که مکلف لازم است انجام دهد، شخص مکلف نباید در انجام آن مقدمات کوتاهی کند. بر همین اساس در فقه، بحث تمرین در انجام واجبات مورد توجه قرار گرفته است تا کودک قبل از رسیدن به تکلیف، صورت صحیح واجبات دینی مثلاً نماز خواندن را یاد گرفته باشد. بر همین اساس، بچه‌ها در سنین پایین‌تر، اذکاری را به صورت جدا از نماز یاد می‌گیرند و سپس اداهایی را شروع می‌کنند که با صورت نماز هماهنگی دارد تا اینکه در نه سالگی نماز را به طور کامل یاد می‌گیرند.

همه این تکرار و تمرین‌ها بر استقامت و صبوری کودک، فوق‌العاده تأثیرگذار است و در نقطه مقابل، غفلت از آن، ممکن است مشکلاتی را در تربیت به بار بیاورد. از این‌رو، برای تحقق مطلوب آن، لازم است که مربیان توصیه‌هایی را در نظر بگیرند:

۱. هرچند وقت یک بار انگیزه کودک کم‌رنگ می‌شود، باید دوباره یک موج تازه و تنوع جدیدی در تمرین ایجاد کرد. بنابراین، نباید از تکرار و تمرین فرار کرد یا خسته شد؛ زیرا رمز نفوذ به قوای ناخودآگاه، ملکه نفسانی شدن چیزی و رسیدن به باور قلبی، تمرین، تلقین و تکرار است. از این‌رو، گفته‌اند: *الدرس حرف و التکرار الف*.

۱. تردید از راوی است.

۲. باید سعی کنیم اقتضائات، محبوب‌ها و اذیت‌های بچه را درک کنیم و از همان ناحیه وارد شویم؛ تشویق‌های مادی در این زمینه بسیار تأثیرگذار است.

۳. نباید از همان ابتدا، نگران خلوص نیت بچه‌ها در انجام واجبات شرعی باشیم. حتی عمل ریایی به مرور، قابل اصلاح است و خود مربی بر اثر تعالیم پیشرفته‌تر می‌تواند نیت مرتبی را اصلاح کند و تغییر دهد.

۴. لازم است که کودک را به دفعات تکرار و تمرین داد؛ چنان‌که پیامبر(ص) یک‌بار تکبیر گفت، امام حسین(ع) نتوانست و این مسئله تکرار شد تا اینکه بار هفتم توانست و پیامبر(ص) نماز را شروع کرد (مناقب ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۷۳-۷۴).

۴. رفق و مدارا

برای مثال، می‌داند که اگر الآن بخواهد در زمانی محدود، این مطلب را به شخصی عرضه بکند، اثری ندارد، لذا آن را در طولانی مدت و تدریجی عرضه می‌کند و در شخص مقابل تأثیر می‌گذارد. از این لحاظ، تدریج با بحث رفق و مدارا تکمیل می‌شود. بدین ترتیب، لازم است که مربیان با متربیان بر اساس رفق و مدارا عمل کرده، نسبت به آنها محبت کنند و بدی‌هایشان را با خوبی پاسخ دهند. البته این مسئله، نیازمند آن است که شخص مربی دارای ظرفیت روحی گسترده‌ای باشد؛ یعنی سعه صدر داشته باشد. سعه صدر به معنای داشتن ظرفیت کافی روحی و فکری در برخورد با مسائل گوناگون است. از این رو، هر اندازه فرد دارای وسعت نظر، گشادگی دل، قدرت تحمل و حوصله بیشتری باشد، می‌توان گفت که از سعه صدر بیشتری برخوردار است. بر همین اساس، خداوند در قرآن خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «الَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشراح / ۱): آیا سینه‌ات را برای تو نگشاده‌ایم؟^۱

آیه شریفه در مقام بیان یکی از نعمت‌های گران‌بها به پیامبر(ص) است؛ یعنی تحمل، شکیبایی و مدارا؛ تا به وسیله آن بتواند بار گران‌هدایت و ارشاد مردم را به دوش کشد و در برابر رنج‌ها و ناراحتی‌ها، شکیبایی ورزد و همه گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها را در دریای ژرف مهر و مدارا و قدرت تحمل خویش برای خشنودی خدا و سعادت بشر هضم کند.

۱. پرسش در آیه شریفه به مفهوم تقریر است و منظور اینکه ما این نعمت گران‌بها به تو ارزانی داشتیم.

پیامبر گرامی (ص) به منظور به انجام رساندن مأموریت مهم و دشوار رسالت و نبوت و رهبری جامعه جاهلی آن روزگار، نیاز مبرم به سعه صدر و فراخی سینه داشت تا بتواند از یک سو، مشکلات طاقت فرسا را تحمل کند و از سوی دیگر، اعراب جاهلی را که تعصب خاص و شدیدی بر آداب و رسوم خود داشتند، از طریق مدارا تحت تأثیر قرار دهد و در دل آنها نفوذ کند و اعمال و رفتار آنان را در جهت مطلوب و مورد نظر هدایت نماید. از این رو، خداوند زمینه‌های سعه صدر را در پیامبر (ص) ایجاد کرده، آن را منتی بر وی می‌داند.

سیاست رفق و مدارا در تعاملات اجتماعی و روابط انسانی، کارسازترین ابزار و بهترین و کم‌هزینه‌ترین روش ممکن برای نفوذ در دیگران است؛ زیرا رفق و مدارا و ملایمت، موجب نرم شدن دل افراد و ایجاد تمایل قلبی در آنان می‌شود. بنابراین، از طریق رفق و مدارا نفوذ در دل‌ها حاصل می‌شود که قوی‌ترین و مؤثرترین نفوذ است (پیروز و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۹). از این رو، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مُدَارَةُ الرَّجَالِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۰۶). سازش و مدارا کردن مردم با همدیگر، از برترین عمل‌هاست.

نکته‌ای که نباید در کاربرد روش تربیتی رفق و مدارا از آن غافل شد این است که مدارا باید بر مدار اعتدال باشد؛ زیرا گاهی اوقات این ارزش اخلاقی مورد سوءاستفاده دیگران قرار می‌گیرد. چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِذَا كَانَ الرَّفْقُ خُرْقًا كَانَ الْخُرْقُ رِفْقًا رُبَّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً وَ الدَّاءُ دَوَاءً» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۳۱): هرگاه نرم‌خویی، حماقت به حساب آید - یعنی زمانی که نرمی و ملاطفت مورد سوءاستفاده دیگران قرار گیرد - به جای نرمش باید تندی کرد؛ چه بسا دوا، درد می‌آفریند یا درد موجب بهبودی و دوا، درد می‌شود. بنابراین، اگرچه روش مدارا عامل اصلاح افراد است، در شماری از مردم اثر معکوس دارد؛ زیرا آنان را به تخلف و سرکشی از قانون وامی‌دارد. پس در این مورد باید روش سخت‌گیری و تندی را اتخاذ کرد.

نکته دیگر آنکه در موقعیت‌هایی نظیر مثال فوق، خشونت به جای مدارا، باید بر مدار احتیاط باشد؛ به گونه‌ای که قدری نرمش در اعمال خشونت لحاظ شود. در این زمینه، علی (ع) به یکی از کارگزارانش توصیه می‌کند که در هر کار مهمی، شدت را با کمی نرمش در آمیزد و در هر مورد که مدارا شایسته باشد، مدارا کند و اگر جز سخت‌گیری چاره‌ای ندارد، تصمیم به شدت بگیرد (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۴۶).

بر اساس این توصیه، می‌توان گفت که پیاده‌سازی روش‌های تربیتی، همواره بایستی بر اساس اصل کرامت انسانی مورد توجه باشد. بدین ترتیب، بین اصل تدریج و اصل کرامت نیز ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

۵. تسهیل‌گری

یکی از روش‌های مهمی که مریان می‌تواند با به‌کارگیری آن، در امر تربیت به صورت تدریجی و گام به گام به رشد شخصیت متریان کمک کند، کاربرست روش تسهیل در امور تربیتی است.

بدین ترتیب، همان‌طور که خداوند نسبت به بندگانش میسر و مسهل است، در مرتبه نازل‌تری مربی باید نسبت به متریان، از چنین خصوصیتی برخوردار باشد و در رسیدگی به امور مربی بر پایه تسهیل‌گری اهتمام داشته باشد. تسهیل در امور بندگان که از صفات فعلی خداوند است، برخاسته از صفت ذاتی رحمانیت اوست که [برای] غلبه دادن آن بر جباریتش ظهور و بروز می‌یابد. بنابراین، عطف و مهربانی، اصلی حاکم بر مناسبات انسانی در تعلیم و تربیت است و نقش مهمی در تسهیل‌گری ایفا می‌کند. این امر در پرورش و تعالی تدریجی اراده انسان، به خصوص اراده جوان فوق‌العاده مؤثر است.

بر اساس همین تسهیل‌گری است که خداوند از گناهان بنده‌اش می‌گذرد تا وی به بازیابی و بازسازی مجدد دست یابد. «ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا» (توبه / ۱۱۸): سپس بر آنها بازگشت تا آنان بازگردند. اما اگر خداوند فرصت توبه و بازگشت را در اختیار بندگانش نمی‌گذاشت، پیوسته بندگان از گناهان خویش احساس حقارت و ناامیدی می‌کردند و به بازآفرینی خود و بازگشت به سوی خداوند اهتمام نمی‌ورزیدند. در نتیجه، از مسیر رشد و تعالی باز می‌ایستادند.

یکی از مصادیق مهم تسهیل‌گری در امر مربی، تسهیل در امور جوانان، به ویژه در مسئله ازدواج است. از این‌رو، درباره تسهیل امر ازدواج جوانان، توصیه‌های فراوانی از سوی ائمه اطهار(ع) شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. امام صادق(ع) فرمود: «مَنْ زَوَّجَ أَعَزَبَ كَانَ مِنْ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۳۱): هر کس زمینه ازدواج مجردی را فراهم کند، از کسانی است که خدا در روز قیامت به او نگاه لطف‌آمیز می‌کند.

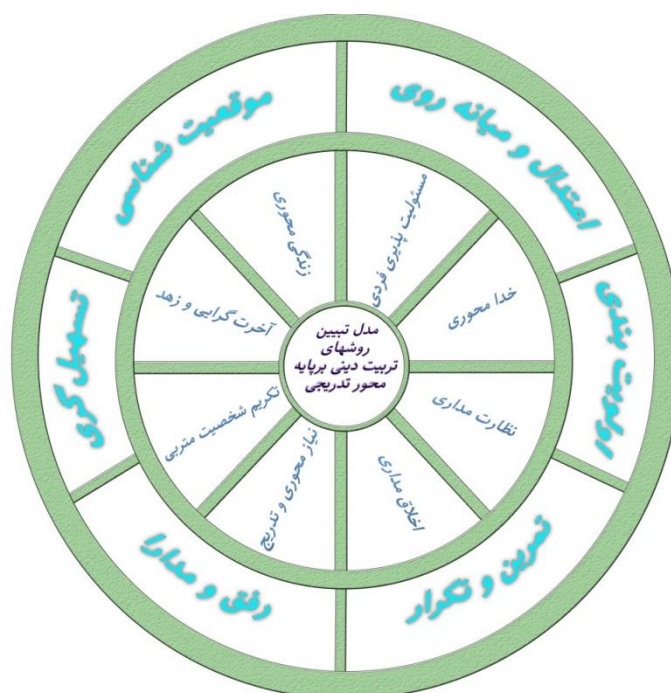
اگر در آثار و فواید تسهیل‌گری در امر ازدواج جوانان خوب بیندیشیم، متوجه خواهیم شد که رابطه آن با پاداش بزرگ الهی که نظر لطف در قیامت است، یک رابطه حقیقی است؛ زیرا هر اندازه امر ازدواج جوانان آسان‌تر گرفته شود، دوری آنان از گناهان و به تبع آن، آراستگی‌شان به فضایل اخلاقی و در نهایت، کسب رضایت الهی میسرتر می‌شود. بدین ترتیب، هر ساعت و لحظه‌ای که از جوانی آنها در امور نیک سپری می‌شود، در همه این ثواب‌ها، شخص تسهیل‌گر نیز شریک است. از این رو، طبق فرمایش امام صادق(ع)، خداوند در روز قیامت به شخص تسهیل‌گر نگاه لطف می‌کند.

امام موسی کاظم(ع) نیز درباره مصداق عینی این لطف خداوند نسبت به شخص تسهیل‌گر می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ يَسْتَبْطِلُونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ أَوْ أَخْدَمَهُ أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۴۱): سه گروه روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست، زیر سایه عرش خدا قرار می‌گیرند: کسی که زمینه ازدواج برادر مسلمان خود را فراهم آورد یا به او خدمت کند یا راز او را بپوشاند.

بر اساس روایت فوق، تسهیل در امور، بر نوع تسهیل‌گری و نیز نوع فردی که این تسهیل‌گری را دریافت می‌کند، اطلاق دارد. از این رو، از یک سو، شامل هر نوع کمکی در حق برادران دینی و حتی نگاهداری حریم شخصی آنان می‌شود و از سوی دیگر، مختص به دوره جوانی نیست. بر همین اساس، حضرت موسی(ع) زمانی که مبعوث شد تا به منظور امر خطیر هدایت فرعون، به سوی او برود، از خداوند تسهیل در آموزش را خواستار شد و از پروردگار چنین استمداد کرد: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» (طه / ۲۵-۲۶): خداوند، به من سعه صدر عطا کن و امرم را آسان قرار ده.

کمک الهی نسبت به تسهیل هدایت‌گری فرعون از سوی موسی(ع) به دو صورت تحقق یافت: یکی، از راه غیرطبیعی، مثل اعجازی که خداوند به دست حضرت موسی(ع) انجام داد و دیگری، از راه غیرطبیعی که همان راه تدریج در هدایت است. بر این اساس، نوع برخورد حضرت موسی با فرعون به گونه‌ای لاین و نرم انجام گرفت تا بهانه‌های واهی را به روی فرعون، برای فرار زود هنگام از هدایت‌پذیری ببندد. در نتیجه، بین موسی(ع) و فرعون در چندین مرحله مناظراتی شکل گرفت و این مسئله ادامه داشت تا زمانی که فرعون دشمنی خود را با موسی(ع) و بنی اسرائیل

آشکار ساخت و در نتیجه، مورد غضب الهی قرار گرفت و به هلاکت رسید (اعراف / ۱۰۳-۱۳۶). نمونه دیگری از امر تسهیل‌گری را در قرآن در ارتباط با احکام شرعی، برای سنین خاص و دارندگان شرایط ویژه داریم. خداوند متعال پس از بیان احکام روزه در حق ناتوانان، اعم از افراد مسن یا مریض، طبق یک قاعده کلی می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره / ۱۸۵): خداوند بر شما آسانی را می‌خواهد، نه سختی.



مدل تبیین روش‌های تربیت دینی بر پایه محور تدریجی

نتیجه‌گیری

بر اساس پژوهش حاضر، «اصل تدریج» یکی از اصول مهم تربیتی در کنار اصول دیگر، مثل: خدامحوری، مسئولیت‌پذیری، آخرت‌گرایی، توجه به مناسبات اجتماعی، اخلاق‌مداری،

نظارت‌مداری و تکریم شخصیت‌متری است. بر همین اساس، روش‌های تربیت دینی مبتنی بر اصل تدریج عبارت‌اند از: اعتدال و میانه‌روی، اولویت‌بندی و موقعیت‌شناسی، تکرار و تمرین، رفق و مدارا و تسهیل و آسان‌گیری. بر اساس معارف دینی، اعتدال متضمن مفاهیمی همچون جامعیت است که توجه به همه معارف دینی را می‌طلبد و نیز متضمن مفهوم تقواست و اینکه عدالت از جنبه درونی و برونی راهی برای پیاده‌سازی روش‌های مختلف تربیتی است که جنبه تدریج در آنها لحاظ شده است. همچنین اولویت‌بندی، موقعیت‌سنجی و به‌هنگام بودن طرح و نیز پیگیری مسائل تربیتی از سوی مربی و به تبع آن متری، از نظر زمان و مکان مناسب و ظرفیت افراد، اهمیتی وافر دارد و همه اینها مستلزم تدریج در امور است. تکرار و تمرین نیز به عنوان یکی از روش‌های تربیت دینی مبتنی بر اصل تدریج بر اساس آموزه‌های اسلامی است. با آنکه از این منظر، معیار اصلی برای تکلیف شرعی «بلوغ عقلی» است، ولی به دلیل اینکه انجام دادن صحیح برخی تکالیف مستلزم آشنایی نظری و عملی قبلی مکلف از موارد تکلیف است، تکرار و تمرین به عنوان یک روش تربیتی به کمک مکلف می‌آید. گاه پیش می‌آید که اگر مربی بخواهد در زمان محدود، مطلبی را به شخص متری عرضه بکند و عمل به آن را از او مطالبه کند، اثری ندارد؛ اما اگر آن را در طولانی‌مدت و تدریجی عرضه کند، در شخص مقابل تأثیر می‌گذارد. از این لحاظ، تدریج با بحث رفق و مدارا تکمیل می‌شود. همان‌طور که خداوند نسبت به بندگانش میسر و مسهل است، در مرتبه‌ای نازل‌تر مربی باید نسبت به متریان، از چنین خصوصیتی برخوردار باشد و در رسیدگی به امور متری بر پایه تسهیل‌گری اهتمام داشته باشد. یکی از مصادیق مهم تسهیل‌گری در امر متری، تسهیل در امور جوانان، به ویژه در مسئله ازدواج است که مستلزم پیشبرد اهداف معنوی و اخلاقی آنان در ادامه زندگی به صورت تدریجی خواهد بود و در صورت ممانعت از تسهیل‌گری، امکان تحصیل این پیشرفت‌ها منتفی خواهد بود.

در پژوهش حاضر که بر پایه داده‌بنیاد است، مفاهیم مرتبط با اصول و روش‌های تربیت از متون دینی استخراج شده‌اند و این داستان تا زمان بسندگی و کفایت نظری - که همان اشباع نظری در روش‌های تحقیق کیفی است - ادامه یافته است. مفاهیم گوناگون به کارگیری شده در قالب کدگذاری‌های آزاد به کدیابی‌های محوری در مقوله منتج شده است. کدهای انتخابی در هشت مقوله انتخابی در حوزه اصول تربیتی عبارت‌اند از: خدامحوری، مسئولیت‌پذیری فردی،

نظارت‌مداری، زندگی‌محوری، اخلاق‌مداری، تکریم شخصیت‌متربی، آخرت‌گرایی و زهد، تدریج و نیازمحوری.

همچنین شش مقوله روش‌های تربیت عبارت‌اند از: تمرین و تکرار، اولویت‌بندی، اعتدال و میانه‌روی، رفق و مدارا، تسهیل‌گری و موقعیت‌شناسی که این مجموعه مقوله‌ها با همدیگر، نظریه‌مبنایی و مدل‌نظری تحقیق ما را در حوزه تبیین روش‌های تربیتی به سرانجام رسانده‌اند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل أئطالب علیهم السلام*، قم: نشر علامه.
۴. اعرافی، علیرضا و جواد ابراهیمی (۱۳۹۶)، «روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی فرزندان؛ حکم فقهی»، *دوفصلنامه علمی مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۴، ش ۸، پاییز و زمستان، صص ۱۱۵-۱۴۰.
۵. باقری، خسرو (۱۳۶۸)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
۶. بهشتی، سعید و روشنک نیکویی (۱۳۸۹)، «کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»، *روان‌شناسی تربیتی*، س ۶، ش ۱۸، پاییز.
۷. پیروز، علی؛ ابوطالب خدمتی؛ عباس شفیعی و سید محمود بهشتی‌نژاد (۱۳۸۸)، *مدیریت در اسلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۹. رشیدی آل‌هاشم، سیدمحمدرضا (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه بین شیوه‌های تربیتی و خشونت خانگی»، *دانش انتظامی اردبیل*، ش ۱۳.
۱۰. رمضانی، فاطمه و مسعود حیدری (۱۳۹۱)، «روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی* (دانش و پژوهش در برنامه‌ریزی درسی)، دوره ۹، ش ۳۳، صص ۱-۱۹.
۱۱. سجادی، سیدمهدی (۱۳۷۹)، «رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی ارزش»، *پژوهش‌های فلسفی و کلامی*، ش ۳۰.
۱۲. شاتو، ژان (۱۳۶۹)، *مربیان بزرگ*، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. شریعت‌مداری، علی (۱۳۶۷)، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: امیر کبیر.

۱۴. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح)، قم: هجرت.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۷. فرمیهنی فراهانی، محسن؛ محمدحسن میرزا محمدی و علی امیرسالاری، «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق(ع)»، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی، دانشگاه شاهد، ش ۳۹، دوره ۱۶، صص ۶۵-۷۹.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار لدرر الأخبار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۰. مدلین، ویلیام (۱۳۵۳)، تاریخ آراء تربیتی غرب، ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم: صدرا.
۲۳. هوشیار، محمدباقر (۱۳۲۷)، اصول آموزش و پرورش، تهران: دانشگاه تهران.